



چگونه از هر چیزی فیلم نامه اقتباس کنیم؟

ریچارد کریولن
برگردان: بابک تبرایی

How to Adapt Anything into a SCREENPLAY?

By: Richard Krevolin
Translated by: Babak Tabarraee

فهرست مطالب



- پیش‌گفتار جف آرچ ۱۰
- مقدمه ۱۶
- ۱- تاریخچه‌ی اقتباس ۱۸
- ۲- فرآیند پنج قدمی اقتباسِ پروفیسور «ک» ۲۶
- ۳- مسائل حقوقی اقتباس ۵۴
- ۴- اقتباس چه قدر باید وفادار باشد؟
نمونه‌ی موردی: هری پاتر و سنگ جادو ۶۶
- ۵- نقب رگه و استخراج طلا
نمونه‌ی موردی: رهایی از شاوشنک ۸۰
- ۶- حقیقت، دروغ‌ها، و ساختارهای جانشین
نمونه‌ی موردی: راشومون ۹۸

- ۷- تلفیق شخصیت‌ها، به‌گزینی، و فرماندهی استثنایی
نمونه‌ی موردی: میهن پرست ۱۰۵
- ۸- تفسیر و ابداع مجدد چرخ داستان‌گو
نمونه‌ی موردی: ای برادر، کجایی؟ ۱۲۲
- ۹- می‌دانم که واقعاً آن‌طور اتفاق افتاده، اما...
نمونه‌ی موردی: مدیسن ۱۳۲
- ۱۰- یادگیری به واسطه‌ی نوشتن در ژانرهای مختلف
نمونه‌ی موردی: گلن گری گلن راس ۱۵۲
- ۱۱- خیر، شر، و نبرد ابدی بر سر اقتباس
نمونه‌ی موردی: ایکس من ۱۶۶
- ۱۲- انتخاب‌های هوشمندان از منبع اولیه
نمونه‌ی موردی: شایلو ۱۸۴
- ۱۳- درس‌هایی از مصاحبه با آدم‌های سرشناس هالیوود ۲۰۰
- فیلم‌نگاری ۲۲۰
- درباره‌ی نویسنده ۲۲۶

مقدمه



تقریباً در هر سمینار فیلم‌نامه‌نویسی که تا به حال تدریس کرده‌ام، همیشه سه پرسش مرتبط به هم از من شده است: «می‌شود بیش‌تر درباره‌ی اقتباس‌ها صحبت کنید؟» «دستشویی کجاست؟»

«مسائلی حقوقی چه چیزهایی اند، و در پایان، فیلم‌نامه‌نویس چه دینی به متن اصلی دارد؟»

این کتاب پاسخ این سوالات و هر پرسش مشابه دیگری درباره‌ی ماهیت و فن اقتباس را خواهد داد. بله، می‌شود و من هم تا صدها صفحه درباره‌ی اقتباس‌ها صحبت خواهم کرد، پس دوست عزیز، همان‌جا آرام بگیر و بنشین. و چنان‌چه هنوز در فکر آنی، دستشویی ته راهرو دست چپ است.

حالا که این گفته شد، بگذارید خاطرجمع‌تان کنم که رویکرد من در این کتاب هم مبتنی بر جزئیات عملی و فنی است و هم براساس دیدگاه کسی که در هالیوود کار کرده، دلهره، تراژدی و پیروزی را تجربه کرده، و درون سیستم هالیوود دوام آورده است. این هم ارزش یادآوری دارد که در هر سالی که بگویید، بیش‌تر فیلم‌هایی که نامزد دریافت اسکار بهترین فیلم می‌شوند، اقتباسی هستند. مثلاً نگاه کنید به مردم عادی، دوران مهرورزی،

به قیمت خوبی به فروش می‌رود، ولی با بیش‌تر فیلم‌نامه‌نویس‌های شاغل که صحبت بکنید همگی هم‌نوا با هم خواهند گفت: «نوشتن سخت است. خوب نوشتن سخت‌تر است، و فیلم‌نامه‌نویسی شاید سخت‌ترین کار باشد. معمولاً نسخه‌های زیادی باید نوشته شود و ده یا بیست متن تمام شده طول می‌کشد تا یکی از کارها به فروش برود...»

اولین نسخه‌ها صرفاً مثل صاف کردن صدا می‌مانند. یک نویسنده‌ی متوسط، هرچه هم که تجربه داشته باشد، معمولاً باید چندین و چند نسخه بنویسد. در واقع، وقتی یک بار از یک فیلم‌نامه‌نویس با سابقه پرسیدم که تا قبل از اولین فروشش چند تا فیلم‌نامه نوشته بود، او دستش را آورد جلوی گردنش تا یک کپه‌ی یک و نیم متری را نشان دهد. بله، واحد اندازه‌گیری کارتان باید متر باشد، نه صفحه. این فرآیندی است طولانی، که از سال‌ها کار سخت، انبوهی نسخه، و کلی هزینه‌ی پرینت و کپی و بسته‌بندی و پست تشکیل می‌شود.

پس وقتی یک نفر بالاخره نوبتش می‌رسد و صندوق دار بانک مدت زیادی را صرف شمردن پول نقد کردن چک او می‌کند، مستحق دریافت آن پول است. مسلماً کماکان می‌توانید از این جور آدم‌ها بیزار باشید، ولی در عین حال می‌توانید از آن‌ها الهام هم بگیرید و از حسادت رقابتی به منزله‌ی سوخت محرکی جهت تمام کردن کارتان استفاده کنید و بالاخره به جای آن که در «دیلی وراثتی» درباره‌ی دیگران بخوانید، راجه به خودتان بخوانید!

قطعاً هیچ تضمینی وجود ندارد و هیچ کس نمی‌تواند مد بزرگ بعدی هالیوود را پیش‌بینی کند. تنها کاری که شما می‌توانید بکنید نوشتن است، و بازنویسی، شرکت در مسابقات، رفتن به سمینارها، فرستادن کارتان برای کمپانی‌ها، رد شدن، درس گرفتن از رد شدن، و باز هم بیش‌تر نوشتن. و برای آن که مبادا این جریان طاقت فرسا ناامیدتان بکند، این اطمینان را باید به شما بدهم که آن‌هایی که متن‌هایشان را می‌فروشند دست کم ده سال مرتباً کارشان رد می‌شد و ناامید می‌شدند تا این‌که یک شبه به موفقیت برسند، و حتی هنوز هم مرتباً کارشان رد می‌شود و ناامید می‌شوند، اما فرقی این است که حالا در مبل چرم راحت اتاق کارشان در خانه‌ای مجلل در بورلی هیلز این اتفاق برای‌شان می‌افتد.

بسیار خوب، حالا که این‌ها گفته شد، می‌رویم سراغ لب کلام:

یک دوجین ایده ارزشش ده سنت است، یک دوجین ایده‌ی خوب یک دلار



تاریف‌های اقتباس



وقتی مشغول خواندن فیلم‌نامه‌ای هستم، نویسنده‌اش چه یکی از دانشجویهای مدرسه‌ی سینما و تلویزیون یواس‌سی باشد و چه فیلم‌نامه‌نویس جویای نامی از جایی از کشور که من را به عنوان مشاورش استخدام کرده، این تصور غلط و غالب را بارها و بارها در سرتاسر اثر مشاهده می‌کنم: مردم فکر می‌کنند فیلم‌نامه‌نویسی ساده است و اقتباس‌ها، چون از مواد از پیش موجود مشتق می‌شوند، حتی ساده‌ترند. بله، بیش‌تر مردم خیال می‌کنند چون در کلاس‌های ادبیات انگلیسی مدرسه کلاس انشا را پشت سر گذاشته‌اند، فقط کافی است که یک برنامه‌ی نرم‌افزار فیلم‌نامه‌نویسی گیر بیاورند، منبع اولیه‌ای پیدا کنند که دوره‌ی حق انحصاری‌اش پایان یافته، شروع به تایپ کنند، و تمام! وقتی به صفحه‌ی ۱۲۰ رسیدند، متن‌شان را جلد می‌کنند و نشان عالم و آدم می‌دهند و هورا! دیگر وقتش رسیده که چک خوشگل یک میلیونی‌شان را دریافت کنند.

اما مسلماً هرکسی که تا به حال با ماشین هالیوود مسابقه داده و نبرد جانانه‌ای داشته تا بتواند فیلم‌نامه‌اش را بفروشد، می‌داند که چنین تصویری تا چه حد از حقیقت به دور است. مسلماً شخصیت‌هایی استثنایی وجود دارند که اولین متن‌شان

بینند. واقعاً فیلم‌نامه‌نویسی هم تفاوتی ندارد. شما هم باید درباره‌ی همه‌ی جوانب این فرم هنری اطلاعات داشته باشید، و به طور واضح بدانید که به کجا می‌روید، و واقعاً درباره‌ی تاریخ فیلم‌نامه‌نویسی آموزش پایه‌ای ببینید. بنابراین، اجازه بدهید با یک درس کوتاه تاریخ که شاید مفید واقع شود، شروع کنیم.

تاریخ مختصری از داستان‌گویی و اقتباس

فیداین:

داخلی. غار لاسکو، فرانسه، سال ۱۷۰۰۰ قبل از میلاد - شب

داستان‌گویی بخشی از وجود ماست، که عمیقاً در رشته‌ی دی‌ان‌ای ما حک شده. به نقاشی‌های کهن روی دیواره‌های غار لاسکو در فرانسه نگاه کنید. آن‌ها نه پرتره‌هایی ساکن، که تصاویری متحرک‌اند؛ اولین فیلم‌ها، اولین نشانه‌های ثبت شده از نیاز انسان به داستان‌گویی، به قوی کردن خودش و تداوم نسل‌اش. بقای آدمی منوط به آن بود.

به طور ساده، اگر غارنشین شماره یک می‌توانست نحوه‌ی شکار حیوانی را که منبع اصلی تغذیه‌اش بود به غارنشین شماره‌ی دو منتقل کند، فرزندان او می‌توانستند به جای آن که مجبور شوند از جایی شروع کنند که او چند دهه قبل شروع کرده بود، روی شانه‌های او بایستند. داستان‌ها برای بالا رفتن ما قلاب می‌گیرند و سنگ بنای جامعه را می‌گذارند. و هنر اقتباس صرفاً بازی‌گونه‌ها، و تغییر شکل فرم‌هاست. در گذشته شما با نقاشی روی دیوار غار داستان‌تان را می‌گفتید؛ امروزه، نسخه‌تان از همان داستان را با نوشتن فیلم‌نامه بیان می‌کنید. نقاشی دیواری ساکن غار تبدیل به یک فیلم سینمایی ۳۵ میلی‌متری با صدای سراند دالبی تی‌اچ‌ایکس به صورت دیجیتالی پخش شده گشته است.

کات به:

خارجی. خاورمیانه، قربانگاهی بر فراز کوه، ۲۱۰۰ قبل از میلاد - روز

در دوران باستان، وقتی اوضاع خوب نبود، روحانی مرشد مردم، معمولاً سعی می‌کرد تا با اجرای آیین قربانی کردن چند باکره، خدایان را خشنود کند. تا مدتی،

می‌ارزد، و ایده‌های عالی هم ارزش‌شان فقط کمی بیش‌تر از این است، چون هرچه هم که پیش فرض شما برای یک فیلم درخشان باشد، تنها مسأله‌ای که اهمیت تام دارد، اجرای آن ایده است. مسلماً صحبت از ایده‌ای که همیشه در ذهن داشته‌اید کار ساده‌ای است، ولی عملی کردنش به مراتب سخت‌تر خواهد بود. برای گرفتن ایده کافی ست از راننده تاکسی به مقصد فرودگاه یا پیشخدمتی که جلوی تان سالاد می‌گذارد سوال کنید. این روزها همه فیلم‌نامه‌نویس‌اند، ولی خیلی معدودند آن‌هایی که صبر، اشتیاق و پایداری به انجام رساندن مجموعه‌ای از نسخه‌ها را داشته باشند و وقت بگذارند تا واقعاً داستان را به نقطه‌ای برسانند که دیگران جدی بگیرندش.

بیش‌تر فیلم‌هایی که از هالیوود بیرون می‌آیند متوسط‌اند، برای همین هم طبیعتاً خیلی‌ها خیال می‌کنند که اگر یک متن متوسط بنویسند، به زودی به مدارج بالای «انجمن صنفی نویسندگان» ملحق می‌شوند. مسلماً این گونه نیست و شما برای باز کردن راه‌تان، باید متنی بنویسید که قابلیت بردن اسکار داشته باشند. (و آن وقت، اگر دل‌تان خواست و خیلی راغب بودید، می‌توانید باقی عمرتان کار متوسط بکنید). اما ای صاحب کلامان آگاه باشید: اشتباه شماره یک مشتاقان فیلم‌نامه‌نویسی فقط همین است: آن‌ها فیلم‌نامه‌ها را قبل از آماده شدن تحویل می‌دهند. یادتان نرود که هالیوود شهری نیست که بخشش داشته باشد، اولین تاثیر آخرینش هم هست، و به شما تنها یک بار شانس داده می‌شود. پس دست نگه‌دارید. مطمئن شوید کارتان آماده است، و تا زمانی که تماماً از پل نگذشته‌اید، آن را نسوزانید.

در نهایت هم، کیفیت متن است که از هر چیز دیگری مهم‌تر است، و آن حس‌گذرای کیفیت هم تنها از طریق کار سخت به دست می‌آید. منبع اولیه‌تان برای اقتباس هر چه هم که خوب باشد، شما باید بهترش کنید، باید کاری کنید که اثری هنری تبدیل شود که به عنوان فیلم‌نامه‌ای روی پای خودش بایستد که صرفاً ملهم از اثر دیگری بوده است. و اگر بتوانید همه‌ی صحنه‌ها را با اوج و فرودهای جذاب بیارابید، متن‌تان به سمفونی زیبایی تبدیل می‌شود و مردم حاضر می‌شوند پول بدهند تا بارها و بارها به این سمفونی گوش دهند.

حالا که این‌ها را گفتم، احمقانه است اگر بدون داشتن یک آموزش پایه‌ای عمیق از سرچشمه‌ها و تاریخ داستان‌گویی و اقتباس، مستقیم سراغ کندوکاو اقتباس‌های سینمایی برویم. در ژاپن، اساتید سفالکاری شاگردان‌شان را مجبور می‌کنند که دو سال تمام صرفاً خاک رس را ورز دهند و درباره‌ی پس‌زمینه‌ی این فرم هنری تعلیم